

چرا میلیون‌ها دلار هزینه نظامی آمریکا و نیروهای ائتلاف از مهار یمن عاجز است؟

استعمارکشی در عدن



نارجه افشاریان

هنگامی که یک موشک ۴ هزار دلاری شلیک شده توسط نیروهای حوثی یمن می‌تواند یک پهپاد پیشرفته آمریکایی به ارزش بیش از ۳۰ میلیون دلار را از آسمان به زمین بکشد، مفهوم هزینه در جنگ معنایی تازه و نگران‌کننده پیدا می‌کند. این عدم توازن، اکنون بحران جدی‌ای را در دریای سرخ رقم زده؛ جایی که حملات پیاپی نیروهای انصارالله، هم منابع مالی دفاعی غرب را تحلیل می‌برد و هم مسیرهای حیاتی تجارت جهانی را با اختلال روبه‌رو می‌سازد.

باتلاق یمن

زمانی که دونالد ترامپ با هدف عقب‌نشینی حوثی‌ها، دستور بمباران آن‌ها را صادر کرد، انتظار داشت ظرف ۳ روز به نتیجه‌ای روشن و قاطع دست یابد. اما در روز سی‌ویکم، باوجود تمایل همیشگی‌اش به پرهیز از درگیری‌های طولانی در خاورمیانه، گزارشش که دریافت کرد چندان امیدوارکننده نبود. نه‌تنها پیشرفتی حاصل نشده بود، بلکه آمریکا حتی موفق به کسب برتری‌هایی بر حوثی‌ها نیز نشده بود. آنچه از این عملیات ۳۰روزه به‌جامانده بود، چیزی جز یک مداخله پرهزینه و بی‌ثمر دیگر در منطقه به نظر نمی‌رسید.

از ۱۵ مارس ۲۰۲۵، ایالات متحده ظرف یک ماه بیش از ۸۰۰ حمله هوایی علیه همچنان شعله‌ور است. این گروه نظامی کشتی‌های آمریکایی، بریتانیایی و کشتی‌های مرتبط با رژیم اسرائیل را در یکی از مهم‌ترین گذرگاه‌های تجاری دریایی جهان هدف قرار می‌دهد؛ فشاری نظامی و اقتصادی که بر واشنگتن و متحدانش روز به روز سنگین‌تر می‌شود، بی‌آنکه نشانی از فروکش کردن بحران دیده شود. حوثی‌ها چند پهپاد پیشرفته MQ-۹ Reaper آمریکا را ساقط کرده‌اند و حملات خود به شناورهای جنگی، ازجمله یک ناو هواپیمابر آمریکایی را ادامه می‌دهند. بنا بر گزارش نیویورک‌تایمز، تنها در همان ماه نخست، ایالات متحده نزدیک به یک میلیارد دلار برای مهمات و تجهیزات صرف کرده است؛

آن هم درحالی‌که دو جنگنده F/A-۱8 Super Hornet، هرکدام به ارزش ۶۷ میلیون دلار، به‌طور تصادفی از ناو هواپیمابر پرچم‌دار آمریکا به دریا سقوط کردند. در همین بازه زمانی، استیو ویتکاف، نماینده ویژه ترامپ در امور خاورمیانه که همزمان درگیر مذاکرات هسته‌ای با ایران با واسطه‌گری عمان بود، گزارش داد عمانی‌ها پیشنهادی برای خروج از بحران حوثی‌ها ارائه داده‌اند. طبق این پیشنهاد، ایالات متحده حملات هوایی خود را متوقف می‌کند و در مقابل، نیروهای حوثی نیز دست از حمله به کشتی‌های آمریکایی در دریای سرخ برمی‌دارند.
باین حال، در توافق هیچ اشاره‌ای به توقف حملات به کشتی‌هایی که حوثی‌ها آن‌ها را وابسته به رژیم اسرائیل می‌دانند یا حمله به خود سرزمین‌های اشغالی نشده است.از

زمان این توافق، انصارالله چندین بار با موشک‌های بالستیک فرودگاه بن‌گوریون و تل‌آویو را هدف قرار داده، اما به نظر می‌رسد توافق میان حوثی‌ها و آمریکا همچنان به قوت خود باقی است. این مسئله که چرا ایالات متحده باوجود هزینه‌های چندمیلیون دلاری باحتی میلیاردری نتوانست یمن را مهار کند، دلایل متعددی دارد که ترکیبی از عوامل نظامی، سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی است که در ادامه گزارش به‌طور مختصر به تشریح این عوامل می‌پردازیم.

جغرافیای دشوار و ساختار قبیله‌ای یمن

یمن سرزمینی کوهستانی و ناموهور است؛ جغرافیایی خشن با دشت‌های خشک و بیابان‌هایی وسیع که حرکت نیروهای خارجی را با دشواری‌های فراوان روبه‌رو می‌کند. این شرایط محیطی برای جنگ‌های چریکی، مثل آنچه حوثی‌ها دنبال می‌کنند، ایدئال است. در کنار این، یمن ساختار حکومتی متمرکز و نیرومندی ندارد؛ بلکه متشکل از شبکه‌ای از قبایل و گروه‌های محلی با وفاداری‌های متغیر است. پس از فرار منصور هادی به عربستان، مشروعیت دولت او نزد مردم به‌شدت تضعیف شد و در بسیاری از نقاط کشور، این دولت دیگر نماینده واقعی جامعه تلقی نمی‌شد. بسیاری آن را فاسد، بی‌کفایت و وابسته به بیگانگان می‌دانستند. علاوه بر این، اشتباه‌های سنگین تاکتیکی عربستان و امارات - ازجمله بمباران گسترده زیرساخت‌های غیرنظامی، بیمارستان‌ها، مدارس و مناطق مسکونی - موجی از خشم عمومی را برانگیخت و موجب افزایش حمایت مردمی از حوثی‌ها شد. همزمان، شکاف در درون ائتلاف نیز عمیق‌تر شد؛ درحالی‌که عربستان پشت دولت هادی ایستاده بود، امارات از نیروهای جنوبی و شورای انتقالی جنوب پشتیبانی می‌کرد. این دوگانگی باعث ضعف هرچه بیشتر دولت مرکزی شد تا جایی که کنترل بر مناطق مختلف تنها با جلب رضایت سران قبایل ممکن گردید. در چنین ساختاری، ارتش‌های خارجی توان «مهار» یمن را ندارند؛ چراکه قدرت سیاسی و نظامی، پراکنده و فاقد مرکزیتی مشخص برای تسلط است.

موقعیت استراتژیک یمن

درحالی‌که توجه رسانه‌ها عمدتاً بر هزینه‌های نظامی مقابله با حملات حوثی‌ها متمرکز شده، پیامدهای اقتصادی این بحران نیز به‌شدت روی به گسترش است و ابعاد نگران‌کننده‌ای به خود گرفته است. نوآم ریدان، پژوهشگر ارشد در مؤسسه واشنگتن، می‌گوید از زمان آغاز حملات دریایی حوثی‌ها در اواخر سال ۲۰۲۳، حجم عبور کشتی‌های تجاری از تنگه باب‌المندب و کانال سوئز بیش از نیمی کاهش یافته است. یمن در نقطه‌ای راهبردی در کنار تنگه باب‌المندب قرار دارد؛ گذرگاهی حیاتی که دریای سرخ را به اقیانوس هند متصل می‌کند و روزانه میلیون‌ها بشکه نفت و محموله‌های تجاری از آن عبور می‌کنند. کنترل یا حتی تهدید به بستن این مسیر، دست حوثی‌ها را برای تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی و امنیت انرژی باز می‌گذارد.

با استقرار نیروهای حوثی در سواحل غربی یمن، به‌ویژه در مناطق حساسی مانند الحدیده، آن‌ها این توان را پیدا کرده‌اند که با موشک یا پهپادهای دریایی، به کشتی‌های تجاری و نفتکش‌ها در دریای سرخ حمله کنند. همین موضوع باعث شده کنترل یمن دیگر صرفاً مسئله‌ای داخلی نباشد، بلکه به چالش‌های ژئوپلیتیکی در سطح بین‌المللی تبدیل شود. ریدان توضیح می‌دهد که بسیاری از کشتی‌های تجاری، دیگر قادر به عبور از دریای سرخ نیستند و ناچارند مسیر خود را از جنوب آفریقا طولانی‌تر کنند؛ تغییری که موجب تأخیرهای چندهفته‌ای و افزایش قابل‌توجه هزینه‌های حمل‌ونقل شده است. هرچند صنعت کشتیرانی با محدودی با تغییر مسیرها خود را تطبیق داده، اما کشتی‌هایی که با منافع آمریکایا رژیم اسرائیل در ارتباطند، همچنان منطقه را به‌کلی ترک کرده‌اند.

رژیم اسرائیل در ارتباطات، همچنان منطقه را به‌کلی ترک نکرده‌اند. این اختلالات، به گفته ریدان، «دامنه‌ای بسیار وسیع دارند»؛ حتی اگر مصرف‌کنندگان به‌طور مستقیم متوجه نباشند، این اختلال در زنجیره تأمین به افزایش قیمت بنزین و بسیاری از کالاهای وارداتی منجر می‌شود. به عنوان نمونه، نفت خام عراق که قبلاً از مسیر دریای سرخ عبور می‌کرد، حالا باید از مسیر طولانی‌تری در اطراف آفریقا عبور کند که این تغییر مستقیماً هزینه هر بشکه نفت را برای پالایشگاه‌های اروپایی افزایش داده است. او همچنین هشدار می‌دهد که تهدیدات هنوز به پایان نرسیده‌اند؛ حوثی‌ها همچنان در حال دریایی کشتی‌ها هستند، حتی اگر به همه اهداف حمله نکنند. کارزارشان را در مراحل مختلف پیش می‌برند و هیچ‌کس نمی‌داند مرحله بعدی چه خواهد بود یا با چه نیتی انجام خواهد شد.»

قدرت موشکی و پهپادی و تسلیحات پیشرفته حوثی‌ها

منابع متعددی ازجمله آژانس اطلاعات دفاعی ایالات متحده و مؤسسه مطالعات خاورمیانه مدعی هستند که حوثی‌ها با حمایت فنی و لجستیکی ایران توانسته‌اند به مجموعه‌ای قابل‌توجه از موشک‌های بالستیک، پهپادهای انفجاری و موشک‌های گروز دست پیدا کنند. برخی از این تجهیزات را وارد کرده‌اند و برخی را با انتقال فناوری، در داخل یمن مونتاژ یا حتی تولید می‌کنند. این توانایی داخلی به آن‌ها این امکان را می‌دهد که حتی در شرایط تحریم با قطع واردات، همچنان به حملات خود ادامه دهند. گزارش‌هایی نیز وجود دارد که نشان می‌دهد حوثی‌ها از ابزارهای پیشرفته‌شوند، جنگ الکترونیک و عملیات اطلاعاتی بهره می‌برند که به نظر می‌رسد با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم ایران و متحدانش انجام می‌شود.

جان‌اتان سایه، تحلیلگر بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها، در گفت‌وگو با واینت نیوز، وب‌سایت خبری انگلیسی‌زبان مستقر در رژیم اسرائیل، تأکید می‌کند

این تحولات، تصادفی یا پراکنده

نیستند؛ «این یک استراتژی دقیق برای جنگ نامتقارن است؛ هدف، تحمیل هزینه است نه لزوماً وارد کردن

تلفات سنگین.» او می‌گوید: «اکنون بخش بزرگی از سامانه‌های تسلیحاتی حوثی‌ها در داخل یمن مونتاژ می‌شوند؛ ایران دیگر موشک کامل ارسال نمی‌کند بلکه قطعات جداگانه مانند موتور، هدايتگر و کلاهک رami فرستد و مونتاژ نهایی در داخل انجام می‌شود. این روش ماژولار باعث می‌شود رهگیری آن‌ها دشوارتر شود و یک زنجیره تأمین انعطاف‌پذیر و پنهان شکل بگیرد. این زنجیره به‌سادگی قابل‌توقف نیست. حتی اگر بخشی از قطعات در مسیر توقیف شود، تازه‌مانی که تخصص و ابزار مونتاژ در داخل وجود دارد، چرخه تولید می‌تواند ادامه یابد.» سرهنگ بازنشسته بریتانیایی، ریحارد کمپ که سابقه فرماندهی در افغانستان را دارد و درباره امنیت خاورمیانه مشاوره داده، می‌گوید اثر انگشت ایران در اغلب این تحولات مشهود است. او در گفت‌وگویی با The Media Line، یک رسانه انگلیسی مستقر در نیویورک می‌گوید: «این نوعی نمایش قدرت از سوی تهران است. هدف فقط اسرائیل نیست؛ ایران می‌خواهد به غرب نشان دهد می‌تواند بدون شلیک مستقیم، به شکلی غیرمستقیم و اقتصادی ضربه وارد کند.» کمپ با اشاره به اختلاف فاحش هزینه‌ها می‌افزاید: «هر موشک دفاعی پاتریوت یا رهگیر دریایی میلیون‌ها دلار قیمت دارد، درحالی‌که هر پهپادی که از سوی حوثی‌ها پرتاب می‌شود ممکن است تنها چند هزار دلار خرج داشته باشد. این موازنه، ناپایدار و به نفع حوثی‌هاست.» او همچنین هشدار می‌دهد که رژیم اسرائیل در ارتباطات، همچنان منطقه را به‌کلی ترک کرده‌اند.

رژیم اسرائیل در ارتباطات، همچنان منطقه را به‌کلی ترک نکرده‌اند.

رژیم اسرائیل در ارتباطات، همچنان منطقه را به‌کلی ترک نکرده‌اند.

رژیم اسرائیل در ارتباطات، همچنان منطقه را به‌کلی ترک نکرده‌اند.

بنابرا دعای منابع غربی ازجمله آسوشیتدپرس در طول سال‌های گذشته، «ایران بافرام‌کردن پهپادها، موشک‌ها، تجهیزات جنگ الکترونیکی و آموزش نظامی، نقش مؤثری در ارتقای توانمندی‌های حوثی‌ها ایفا کرده است. این حمایت‌ها باعث شد تا حوثی‌ها دیگر صرفاً یک نیروی شبه‌نظامی محلی نباشند، بلکه تحت عنوان انصارالله به بازیگری تأثیرگذار در معادلات منطقه‌ای تبدیل شوند. آن‌ها اکنون خود را عضوی فعال از «محور مقاومت» معرفی می‌کنند و در کنار گروه‌هایی مانند حزب‌الله لبنان، نیروهای شیعه عراقی و جمهوری اسلامی ایران و سایبری. برخی گزارش‌ها از احتمال انتقال این تجهیزات از مسیرهایی چون اقداماتی نظیر حمله به کشتی‌ها، تهدید به انسداد مسیرهای دریایی استراتژیک و هدف‌گیری زیرساخت‌های حیاتی مانند پالایشگاه‌ها و فرودگاه‌ها، توانسته نقش نیرومندی در بی‌ثبات‌سازی منطقه و اعمال فشار بر ایالات متحده ایفا کند، حتی در شرایطی که در برابر حملات گسترده آسیب‌پذیر بوده است. امروز دیگر نمی‌توان حوثی‌ها را تنها یک نیروی داخلی در یمن دانست. آن‌ها بخشی از یک ساختار منطقه‌ای هستند که اهداف و منافع فراتر از مرزهای کشور خود را دنبال می‌کنند. از دید ایالات متحده، درگیری با حوثی‌ها تنها به یمن محدود نمی‌شود، بلکه وارد قلمرو یک رقابت ژئوپلیتیکی گسترده‌تر با محوریت ایران و متحدانش شده است.

انبها در اهداف آمریکا و ائتلاف

آیا هدف اصلی از این حملات نابودی کامل

وقایع ایران‌نیلیه

حوثی‌ها بود یا بازگرداندن دولت منصور هادی به قدرت؟ شاید هم حفظ امنیت رژیم اسرائیل یا مقابله با نفوذ منطقه‌ای ایران و تأمین امنیت دریانوردی در دریای سرخ؟ هر یک از این اهداف به راهبرد خاصی نیاز دارد. اما نبود یک استراتژی مشخص و هماهنگ، باعث سردرگمی در صحنه نبرد شد و روند عملیات را پیچیده کرد. درعین حال، تمرکز آمریکا در سال‌های اخیر به سمت رقابت راهبردی با چین تغییر یافته و خاورمیانه دیگر اولویت پیشین را ندارد. همین تغییر نگاه باعث شده ادامه هزینه‌های گزاف جنگ یمن، چه از نظر مالی و چه از نظر اعتبار نظامی، به‌ویژه با شکست‌ها و ناکامی‌ها در زمین و دریا، برای واشنگتن ارزش راهبردی کمتری داشته باشد. ازاین‌رو، رسیدن به نوعی توافق یا آتش‌بس با حوثی‌ها، گزینه‌ای منطقی‌تر و کم‌هزینه‌تر به نظر می‌رسد.

چین و روسیه؛ بازیگران پنهان

چین و روسیه برخلاف ایران، مستقیماً یا یعنی با حمایت نظامی یا آشکار نمی‌کنند، اما با ابزارهای دیپلماتیک، فناوری و سیاست منطقه‌ای خود، نقشی غیرمستقیم اما مهم در تضعیف نفوذ آمریکا در یمن و غرب آسیا بازی کرده‌اند.

نقش غیرمستقیم چین در مهار نفوذ آمریکا در یمن

در سال ۲۰۲۱، ایران و چین توافقی راهبردی به مدت ۲۵ سال امضا کردند که زمینه همکاری در حوزه‌های مختلف از انرژی و فناوری گرفته تا امنیت و مسائل نظامی را فراهم کرد. ایران، به عنوان پشتیبان اصلی حوثی‌ها، از این شراکت بهره‌مند شد تا بخشی از فشار تحریم‌ها را دور بزند و منابع بیشتری برای حمایت از گروه‌های متحد خود ازجمله انصارالله فراهم کند. این یعنی پشتیبانی غیرمستقیم چین، قدرت عملیاتی حوثی‌ها را نیز تقویت کرده است. از سوی دیگر، نقش چین در کاهش تنش میان ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳، یکی از مهم‌ترین عوامل در عقب‌نشینی تدریجی عربستان از میدان جنگ یمن بود. بدون آنکه چین مستقیماً وارد میدان شود، با میانجی‌گری دیپلماتیک باعث شد یکی از بازیگران اصلی جنگ یمن از موضع نظامی فاصله بگیرد و عملاً به نفع حوثی‌ها عمل کند.

افزون بر این، چین صادرکننده اصلی فناوری‌هایی با کاربرد دوگانه است، مانند سامانه‌های نظارتی، پهپاد، ابزارهای ارتباط امن و تجهیزات جنگ سایبری. برخی گزارش‌ها از افزایش احتمال انتقال این تجهیزات از مسیرهایی چون ایران با شرکت‌های واسطه به دست حوثی‌ها حکایت دارند. چین همچنین درحال توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و ارتباطی در غرب آسیا و شرق آفریقا است که می‌تواند توانایی اطلاعاتی و الکترونیکی متحدان منطقه‌ای‌اش، ازجمله انصارالله را به شکل غیرمستقیم تقویت کند.

از نظر جغرافیای راهبردی نیز دریای سرخ شاه‌راهی حیاتی برای تجارت بین‌المللی است. تسلط بر این مسیر، به معنای تأثیرگذاری بر جریان نفت خلیج فارس، ترانزیت کالابین آسیا، آفریقا و اروپا و حتی کنترل کانال سوئز است. چین با سرمایه‌گذاری در بنادر کشورهای اطراف دریای سرخ ازجمله جیبوتی، سودان، اریتره و عمان، عملاً حضور خود را در این مسیر گسترش داده است. تأسیس پایگاه نظامی در جیبوتی که تنها ۲۵۰ کیلومتر با یمن فاصله دارد، نمادی از عزم چین برای نقش‌آفرینی در امنیت دریایی و حفاظت از منافعش در منطقه است. درمجموع، یمن به‌عنوان یکی از گروه‌های راهبردی طرح «کمربند راه» چین، جایگاه مهمی در چشم‌انداز بلندمدت پکن دارد.

هر موشک دفاعی پاتریوت یا رهگیر دریایی میلیون‌ها دلار قیمت دارد، درحالی‌که هر پهپادی که از سوی حوثی‌ها پرتاب می‌شود ممکن است تنها چند هزار دلار خرج داشته باشد

نقش روسیه در بحران یمن

روسیه از ابتدا رویکردی بی‌طرفانه و تاکتیکی در جنگ یمن در پیش گرفت؛ یعنی نه کاملاً در کنار ائتلاف سعودی ایستاد و نه حوثی‌ها را به‌طور آشکار محکوم کرد. این کشور سعی داشت روابط مثبت خود را با همه طرف‌ها ازجمله عربستان و امارات حفظ کند. بااین حال، طی سال‌های گذشته روسیه چند بار تلاش کرده است قطعه‌نامه‌هایی را که فشار زیادی بر حوثی‌ها وارد می‌کردند، و تو یا تضعیف کند که این اقدامات به تقویت جایگاه دیپلماتیک حوثی‌ها کمک کرده است. بر اساس برخی گزارش‌ها، حوثی‌ها کانال‌های غیررسمی در روسیه دارند و گاه دیدگاه‌هایشان از طریق رسانه‌هایی مانند RT منتشر می‌شود؛ هرچند این ارتباط رسمی نیست، اما باعث افزایش مشروعیت بین‌المللی آن‌ها شده است. از منظر منافع استراتژیک، روسیه به دنبال ایجاد پایگاه دریایی در دریای سرخ یا سواحل یمن است، مشابه پایگاه دریایی طرطوس در سوریه. این حضور به روسیه امکان می‌دهد تا دسترسی خود به مسیرهای مهم تجارت جهانی، مانند مسیرهای آفریقا، آسیا و کانال سوئز را تقویت کند.

با این تفاسیر چین و روسیه در بحران یمن نقش‌هایی پنهان اما تأثیرگذار دارند؛ چین با حمایت از ایران، کاهش نفوذ عربستان، میانجی‌گری هوشمندانه، صادرات فناوری‌های دوگانه و کاهش نفوذ آمریکا و روسیه از طریق سیاست خارجی متوازن و جلوگیری از ورود مستقیم به درگیری‌ها، به‌طور مؤثر قدرت آمریکا را در منطقه کاهش داده است. این اقدامات موجب شده گروه‌هایی مانند حوثی‌ها نفوذ و قدرت بیشتری پیدا کنند، بدون اینکه خود روسیه و چین هزینه سیاسی سنگینی متحمل شوند.

کلام آخر

یمن به دلیل موقعیت استراتژیک کلیدی خود در مسیرهای مهم دریایی و پیچیدگی‌های سیاسی داخلی، همراه با افزایش توان نظامی گروه انصارالله و حمایت‌های آشکار و پنهان ایران و هم‌پیمانانش، به یک دام پیچیده و سخت‌گذر برای هر قدرت خارجی، ازجمله آمریکا، بدل شده است. این بحران نه‌تنها یک نبرد نظامی ساده نیست، بلکه یک جنگ فرسایشی طولانی‌مدت است که عمدتاً یک طرف هزینه‌های سنگین و گزافی را متحمل می‌شود. به گفته پژوهشگران همچون جان‌اتان سایه، این وضعیت به‌گونه‌ای پیش می‌رود که هیچ پایان روشنی در کوتاه‌مدت دیده نمی‌شود و فشارها همچنان به شکل گسترده و مداوم ادامه خواهند داشت، درحالی‌که بازیگران اصلی در تلاش هستند باتکیه‌بر تاکتیک‌های پیچیده و حمایت‌های منطقه‌ای، موقعیت خود را حفظ و گسترش دهند.